

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر محمد کریم فارغی-استراليا

۱۶ نومبر ۲۰۲۰



داکتر محمد کریم فارغی

تقیح اعمال وحشیانه دشمنان انسانیت

(۳)

پیوسته به گذشته...

با آنچه گفته آمدم در مورد طالبان، می خواهم اذعان بدارم که هر چند آنها افراد چیز فهم و با تجربه در میدان جنگ و سیاست بودند ولی به وسیله پنجابی های پاکستان که همواره از پشتون ها (پتان) تصویر غیر متمدن و بومی و بنابر آن قرین به وحشت ما قبل تاریخ می داده اند، نتوانسته بودند این القاب را از خود شان دور کنند، از این که پاکستان عملی کننده پروگرام بود بناءً به طالب ها آنچه را در مورد پشتون ها از دید خود داشتند، دیکته کردند، مثلاً به غربی ها وانمود کرده بودند که طالب ها بنابر داشتن بعد کلتوری در ساختار اداره شان از اروپائی ها نفرت دارند و با آنها نمی بینند، اگر شما با آنها می خواهید ببینید بهتر است اول با ما تماس بگیرید و بعد ما این امکانات را میسر می سازیم، با اینکار از يك طرف حضور شان را در روابط خارجی طالبان تأمین می کردند و از طرفی هم به غربی ها نشان می دادند که بدون وساطت پاکستان رابطه با طالبان نیمه وحشی و غیر متمدن ممکن نیست، آنها طالبان را مردم غیر قابل تسخیر، وحشی و به دور از آداب انسانی معرفی کرده بودند، عدم آشنائی رهبری طالبان به زبان انگلیسی این ادعا را به يك واقعیت مبدل کرده بود، در اینجا می خواهم به يك واقعیت اشاره کنم و آن این که، بنابر سیاست دروازه های بسته حکومت های گذشته به شمول حاکمیت طولانی محمد زائی ها، جهان بیرون اطلاع کافی در مورد مردم افغانستان، ساختار نظام سیاسی و اجتماعی آن، کلتور و رسوم شان نداشتند و از طرف دیگر افغان ها نیز از دنیای خارج اطلاعی نداشتند، هر آنچه می دانستند از متن کتاب ها و در بهترین صورت جرائد و رسانه ها بود که آنهم محدود و غیر کافی بودند، برای اثبات ادعای خود باز هم خاطره ای را شریک می کنم؛ روز های دشوار جنگ بی تناسب امریکا و افغانستان بود،

من در پشاور با یکی از مؤسسات صحتی که در قندهار و ارزگان کلینیک ها داشت، مسؤول بخش هماهنگی خدمات صحتی بودم، مسؤول بخش قندهار هر روز بین ساعات ۱-۲ بعد از ظهر با من در تماس می شد و گزارشات اوضاع را در ساحات کلینیک ها و شهر قندهار می داد، خوب به یاد دارم که در جریان یکی از گزارشدهی ها، بمبی در ساحات نزدیک دفتر مرکزی ما در شهر أصابت نموده بود و در حالی که آواز انفجارات و أسلحة خفیف به گوش می رسید، طرف مقابل برایم از مشاهده دست ها و پا های مصدومین که در هوا بلند شده بودند، گزارش داد که واقعاً خیلی درد ناک و ناراحت کننده بود.

در پشاور و اسلام آباد مجالس زیادی به خاطر عرضه خدمات و همچنان ساختن پلان برای به اصطلاح افغانستان پس از جنگ به وسیله ارگان های ملل متحد و داور های افغانستان (Afghanistan Support Group) به راه افتیده بود، من تقریباً در تمامی این مجالس اشتراك داشتم و خاطرات جالبی از این مجالس دارم که طور جدا گانه ارائه خواهم کرد. با مسؤول اداره ما یکجا قرار ملاقات با یکی از مسؤولین يك داور هالندی به نام آقای Eric Novib در پشاور داشتیم، Eric جوان خیلی محترم و با درد بود و با ما مثل يك افغان روابط دوستانه و صمیمی داشت، در جریان صحبت ما يك خانم هالندی با بگروند ایرانی که عضو پارلمان وقت هالند بود در اثر تقاضای Eric با ما شريك مذاکره شد، این خانم که فرح کریمی نام داشت بعد از مدت کوتاهی از صحبت ما بنابر مشکلات پارلمان با حکومت روی درگیری هالند در جنگ بوسنیا، استعفاء داد ولی خانم کریمی تا چند وقت پیش هم مسؤول هماهنگی کمک های بین المللی امریکا بود.

به هر حال صحبت ما با Eric که به خاطر يك پروژه بود خاتمه یافت ولی خانم کریمی علاقه مند ادامه صحبت شد، ما توانستیم با خانم کریمی به زبان دری مکالمه نمایم که این برای هر دو طرف مجال صحبت های بیشتر و از هر طرف را می داد، در نخست خانم کریمی پرسید آیا شما طرفدار جنگ امریکا با طالب ها هستید که واضحاً جواب ما منفی بود، بعد افزود پارلمان هالند خواستار توقف جنگ حد اقل در جریان ماه مبارك رمضان که عنقریب شروع می گردد می باشد و من از همین سبب وظیفه گرفته ام تا با طرفین در گیر مذاکره نمایم، درین مورد و موارد دیگر به اندازه کافی صحبت کردیم، در بخشی از صحبت ها خانم کریمی برایم اظهار داشت برای جهان غرب افغانستان بعد از واقعه ۹/۱۱ ایجاد گردیده است یعنی دنیا قبل ازین اصلاً نمی دانستند درین موقعیت از جهان ما چه می گذرد، از جغرافیای افغانستان، مردم این کشور که چه نوع مردم اند و چه گونه می اندیشند کمترین معلومات دارند، حال هم بیشترین تصور از مردم افغانستان به فحواي مطبوعات و رسانه ها همان طالب ها با مظاهر بومی و روستائی شان است و کسی فکر نمی کند درین مملکت مکاتب از نوع غیر از آنچه برایش مدرسه می گویند یعنی مکاتب مدرن و پوهنتون وجود داشته باشد، از موجودیت شهر ها و آبادی هائی که در سایر کشور ها است کسی گمان نمی کند، وی افزود مدتی قبل من زمینه ملاقات يك گروهی از افغان ها را که در هالند مسکون اند و با بعضی شان شناخت قبلی داشتم ، با وزیر خارجه هالند مساعد ساختم، آنها مثل سایر افراد و اشخاصی که در هالند زندگی می کنند، لباس و دریشی به تن داشتند و وقتی با وزیر دیدند طرح ها و نظریات شان را شريك نمودند، می دانید وقتی آنها دفتر وزیر را ترك گفتند، وزیر سرش را با دستانش محکم گرفته و با تعجب به من گفت، اینها که عیناً مثل ما و شما مردمانی با طرح و منطق اند، حتی لباس پوشیدن و حرف زدن شان عیناً مثل ما و شماست، برایم که ازین مردم تصویر دیگری داده بودند!!!!!!....

بلی هموطن من، اینست مشکل من و تو که همه چیز را از نو باید آغاز کنیم و خود مان را ثابت کنیم، البته می دانم درین واقعیت کوتاهی و غفلت آنها نیز شامل است ولی این مشکل آنها نه بلکه مشکل ماست، لذا ما باید آنچنان که لازم است اقدام و عمل کنیم....

شاید هنوز هم یکی از دلایلی که غرب با افغان ها مستقیماً در رابطه به قضایای معینی معامله نمی کنند، همین باشد که گویا ما توان درك و همسوئی آنها را نداریم.....
بقیه دارد....